



Development and Validation of the Crime Attitude Questionnaire in the General Population

Mehdi Shomali Ahmadabadi¹, Atefeh Barkhordari Ahmadabadi²

Abstract

Field and Aims: The inclination toward crime is a complex social issue with deep and widespread effects on society. This study aimed to develop and validate a Crime Attitude Questionnaire for the general population of Iran

Method: The target population included adults aged 20 to 60 in the city of Ardakan. A voluntary sampling method was employed, and 574 participants took part in the study. The research instruments included the Crime Attitude Questionnaire, the Criminal Thinking Questionnaire, and the Self-Control Questionnaire. Data were analyzed using exploratory and confirmatory factor analysis, Cronbach's alpha, and Pearson correlation, utilizing version 26 of SPSS and version 24 of AMOS.

Findings and Conclusions: Results indicated that the Crime Attitude Questionnaire comprises two factors: Rationalization of Crime (27.90% of variance) and Perception of Legal Injustice (17.04% of variance), which together account for 44.95% of the total variance. The overall reliability of the questionnaire was confirmed with a Cronbach's alpha of 0.922. Convergent validity was established with a positive correlation with Criminal Thinking ($r = 0.478$), and divergent validity was confirmed with a negative correlation with Self-Control ($r = -0.537$), both significant at ($p < 0.001$). All factor loadings were above 0.4, and confirmatory factor analysis indicated good model fit (RMSEA = 0.079, CFI = 0.949, TLI = 0.926). Based on the findings, it can be concluded that the Crime Attitude Questionnaire is a reliable and valid tool for assessing attitudes toward crime in the general population of Iran and can be utilized in future research and crime prevention programs.

Keyword: Development, Validation, Crime Attitude, General Population, Psychometrics.

*Citation (APA): Ahmadabadi, M.; Ahmadabadi, A. (2024). Development and Validation of the Crime Attitude Questionnaire in the General Population. *Applied criminology research*, 2(6), 47-76.

https://qacr.ir/article_722718.html?lang=en

1. PhD in Psychology, Education department, Ardakan, Yazd, Iran.

Email: mahdi_shomali@yahoo.com

2. Master's student in clinical psychology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: atefeh.8449@gmail.com



ساخت و اعتباریابی پرسش نامه نگرش به جرم در جمعیت عمومی

مهدی شمالی احمدآبادی^۱، عاطفه برخوردار احمدآبادی^۲✉

چکیده

زمینه و هدف: گرایش به جرم از جمله آسیب‌های پیچیده اجتماعی است که تأثیر آن بر جامعه عمیق و گسترده است. این پژوهش با هدف ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه نگرش به جرم در جمعیت عمومی ایران انجام شد.

روش: جامعه آماری شامل بزرگسالان ۲۰ تا ۶۰ ساله شهر اردکان بود. نمونه‌گیری به صورت داوطلبانه انجام شد و ۵۷۴ نفر در مطالعه شرکت کردند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه نگرش به جرم، پرسش‌نامه تفکر جنایی و پرسش‌نامه خودکنترلی بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، آلفای کرونباخ و همبستگی پیرسون و با بهره‌گیری از نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS و نسخه ۲۴ نرم‌افزار AMOS تحلیل شدند.

یافته‌ها و نتایج: نتایج نشان داد پرسش‌نامه نگرش به جرم دارای دو عامل عقلانی‌سازی جرم (۲۷/۲۹۰) درصد واریانس) و ادراک بی‌عدالتی قانون (۱۷/۰۰۴) درصد واریانس) است که در مجموع، ۴۴/۲۹۵ درصد از واریانس کل را توضیح می‌دهند. پایایی کل پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ ۰/۹۲۲ تأیید شد. روایی همگرا با همبستگی مثبت با تفکر جنایی ($r=0/478$) و روایی واگرا با همبستگی منفی با خودکنترلی ($r=-0/537$)، تأیید شد ($p<0/001$). تمامی بارهای عاملی بالای ۰/۴ بود و تحلیل عاملی تأییدی برازش مطلوب مدل را نشان داد ($RMSEA=0/079$ ، $CFI=0/949$ و $TLI=0/926$). بر اساس نتایج پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که پرسش‌نامه نگرش به جرم ابزاری معتبر و پایا برای سنجش نگرش به جرم در جمعیت عمومی ایران است و می‌تواند در پژوهش‌های آینده و برنامه‌های پیشگیری از جرم استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: ساخت، اعتباریابی، نگرش به جرم، جمعیت عمومی، روان‌سنجی.

استاددهی (APA): شمالی احمدآبادی، مهدی و برخوردار احمدآبادی، عاطفه. (۱۴۰۳). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه نگرش به جرم در جمعیت عمومی. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۶)، ۴۷-۷۶.

https://qacr.ir/article_722718.html

۱. دکتری روانشناسی، آموزش و پرورش شهرستان اردکان، یزد، ایران. رایانامه: mahdi_shomali@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

رایانامه: atefeh.8449@gmail.com

مقدمه

اگرچه برای گرایش به جرم علل مختلفی چون مشکلات فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عنوان شده (رضوی فرد، ۱۴۰۳: ۲۳)، اما یکی از مولفه‌هایی که در گرایش به رفتارهای مجرمانه نقش دارد، نگرش به جرم^۱ است که می‌تواند نقش مهمی در این رفتارها داشته باشد (بورگ و هرمن^۲، ۲۰۲۳: ۱۰۰). نگرش به جرم، به‌عنوان یک مقوله اجتماعی، شامل شاخص‌هایی است که نشان‌دهنده پذیرش هنجارهای قانونی، رفتار افراد در واکنش به جرم و احتمال بروز رفتار مجرمانه در آنان است (بورگ و هرمن، ۲۰۲۰: ۱۰۴؛ اورت-فابریگات و پرز^۳، ۱۹۹۲: ۱۹۳). این نگرش‌ها علاوه بر تأثیرات اجتماعی، ارتباط نزدیکی با موضوعات کلاسیک در جرم‌شناسی از جمله مفاهیم مجازات عادلانه و متناسب برای مجرمان دارند (بورگ و هرمن، ۲۰۲۳: ۱۰۰؛ فتحی و کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۱). از این‌رو، بررسی و ارزیابی نگرش نسبت به جرایم در قالب یک موضوع اجتماعی و علمی، اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به درک بهتر رفتارهای اجتماعی و طراحی و اجرای مداخلات درمانی کمک کند.

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که نگرش نسبت به جرم بر اساس ویژگی‌هایی چون نژاد، ملیت، تحصیلات و درآمد متفاوت است (قادری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۲۲؛ دی‌مارکو^۴ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۰۰؛ استیلیانو^۵، ۲۰۰۳: ۳۷)؛ به‌عنوان مثال، گرایش به جرم در برخی از فرهنگ‌ها مثبت‌تر و نوع نگرش به جرم بر اساس سن در برخی از جرائم متفاوت است؛ همچنین، اگرچه نرخ جرائم در مردان بیشتر است، اما زنان در مقایسه با مردان نگرش منفی‌تری به تجاوز دارند؛ مردان به رفتارهای خشونت‌آمیز در مقایسه با فرار مالیاتی نگرش منفی‌تری دارند؛ زنان رابطه جنسی زیر سن قانونی، فروش ماری‌جوانا و کلاهبرداری را مجرمانه‌تر از مردان ارزیابی می‌کنند؛ اگرچه برخی از مطالعات نیز تفاوتی بین زنان و مردان در نگرش به جرائم مختلف نشان ندادند (بورگ و هرمن، ۲۰۲۳: ۱۰۰).

از سوی دیگر، ایران به‌عنوان کشوری با تنوع فرهنگی و اجتماعی بالا، شاهد تغییرات قابل‌توجهی در الگوهای جرم و نگرش به آن بوده است و افزایش جرائم سایبری، کلاهبرداری‌های آنلاین و سوءاستفاده‌های فضای مجازی در دهه اخیر نشان‌دهنده تحول در ماهیت و شدت جرائم است (صادقی و همکاران، ۱۴۰۳: ۴۳)؛ و این تغییرات نه تنها بر درک

1. Attitudes toward crime
2. Borg & Hermann
3. Ortet-Fabregat & Pérez
4. Di Marco
5. Stylianou

عمومی از جرم تأثیر گذاشته، بلکه نگرش افراد به قوانین، مجازات‌ها و عدالت کیفری را نیز تحت تأثیر قرار داده است (کرمی نقیبی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۷؛ شمالی^۱ و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۸۵). از سوی دیگر، عوامل فرهنگی مانند ارزش‌های دینی، هنجارهای خانوادگی و تعاملات اجتماعی در ایران، نگرش به جرم را از جوامع غربی متمایز می‌کند (نوغانی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۴: ۸۵) و به همین دلیل، ابزارهای توسعه‌یافته برای ارزیابی نگرش افراد به جرم از اهمیت زیادی برخوردار است.

در همین راستا، پرسش‌نامه‌ها به عنوان ابزارهای کلیدی در تحقیقات علوم جنایی، امکان جمع‌آوری داده‌های کمی و کیفی را فراهم می‌کنند و به محققان اجازه می‌دهند تا نگرش‌ها، باورها و رفتارهای افراد را در زمینه‌های مختلف جرم‌شناسی به طور سیستماتیک بررسی کنند. این ابزارها با قابلیت استانداردسازی و اندازه‌گیری دقیق، نقش مهمی در شناسایی عوامل روان‌شناختی و اجتماعی مؤثر بر جرم، ارزیابی اثربخشی مداخلات پیشگیرانه و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ایفا می‌کنند. در علوم جنایی، انواع مختلفی از پرسش‌نامه‌ها مانند پرسش‌نامه‌های نگرش به جرم (مانند مقیاس نگرش به جرائم ارتكابی، مایکل^۲ و همکاران، ۱۹۹۴)، پرسش‌نامه‌های تفکر جنایی (والترز^۳، ۱۹۹۵: ۳۰۷) و ابزارهای سنجش ادراک عدالت کیفری (هندرسون^۴ و همکاران، ۱۹۹۷: ۴۴۷) توسعه یافته‌اند که هر یک با توجه به اهداف پژوهش، جنبه‌های متفاوتی از رفتار مجرمانه را مورد سنجش قرار می‌دهند. همچنین، ابزارهای موجود، مانند مقیاس نگرش فرد نسبت به جرائم ارتكابی، ممکن است به‌طور کامل با ویژگی‌های فرهنگی و جمعیت‌شناختی ایران هم‌راستا نباشند.

بنابراین، ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه نگرش به جرم در جمعیت عمومی ایران، دستاوردهای متعددی به همراه خواهد داشت. نخست، این ابزار می‌تواند به شناسایی عوامل روان‌شناختی و اجتماعی مؤثر بر نگرش به جرم کمک کند و از این طریق، مبنایی برای طراحی برنامه‌های پیشگیری از جرم فراهم آورد. دوم، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی ایران، این پرسش‌نامه می‌تواند تفاوت‌های نگرشی میان گروه‌های مختلف جمعیتی را آشکار سازد. سوم، نتایج این مطالعه می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای مقایسه‌های بین‌فرهنگی با یافته‌های سایر کشورها مورد استفاده قرار گیرد و درک جهانی از نگرش به جرم را غنی‌تر کند. در نهایت، این

1. Shomali
2. Michael
3. Walters
4. Henderson

ابزار می‌تواند در ارزیابی تأثیر مداخلات آموزشی و رسانه‌ای بر تغییر نگرش به جرم در ایران به کار رود و به سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر شواهد کمک کند. بنابراین، این پژوهش با هدف ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه نگرش به جرم در جمعیت عمومی انجام شد.

پیشینه پژوهش

تاکنون ابزارهای متعددی برای سنجش نگرش به جرم و موضوعات مرتبط با آن طراحی شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، مقیاس نگرش به جرم که در مطالعه آلبریک^۱ و همکاران (۱۹۹۰)، استفاده و بعدها توسط هرمن^۲ (۲۰۱۳) برای بررسی پیشگیری از جرم در جوامع تطبیق داده شد و بر جرائمی با شدت و نوع متفاوت تمرکز دارد؛ این مقیاس از پاسخ‌دهندگان می‌خواهد تا شدت بدبودن جرائم را در مقیاس ۱ تا ۷ ارزیابی کنند، اما جرائم بسیار جدی مانند قتل یا تجاوز را به دلیل عدم تنوع در پاسخ‌ها حذف کرده است. فرود^۳ و همکاران (۱۹۹۴)، مقیاس نگرش پاسخ‌دهندگان نسبت به بزهکاری و اعمال مجرمانه^۴ را معرفی کردند که مطلوبیت زیادی را در جوامع کیفری یافت. در مطالعه دیگری، مقیاس چینی چهار عاملی پرسش‌نامه نگرش به بزهکاری و اعمال مجرمانه فرود و همکاران (۱۹۹۴) توسط چویی^۵ و همکاران (۲۰۱۷) اعتباریابی شد. این ابزار که نگرش مرتبط با بزهکاری را در سه گروه شامل جوانان بزهکار هنگ‌کنگ، زندانیان زن چینی و دانشجویان ارزیابی کرد، یک ساختار چهار عاملی را نشان داد که با یافته‌های اولیه فرود و همکاران (۱۹۹۴) متفاوت بود. این پرسش‌نامه با پایایی و روایی مطلوب، کاربرد خود را در سیستم عدالت کیفری چین نشان داد. پرسش‌نامه سنجش نگرش فرد نسبت به جرائم ارتكابی^۶ نیز در سال ۱۹۹۴ توسط مایکل و همکاران طراحی و گسترش یافت (فیزی و ویلیامز^۷، ۲۰۰۹: ۳). همچنین، مقیاس نگرش به بی‌عدالتی نژادی در سیستم عدالت کیفری توسط هندرسون و همکاران (۱۹۹۷) طراحی شد که نگرش به تبعیض نژادی در اجرای قانون را می‌سنجد. این ابزار با تحلیل عاملی تک‌عاملی و بارهای عاملی بالا، ابزاری معتبر برای سنجش نگرش در زمینه عدالت کیفری است. برخی از پژوهشگران نیز بر ساخت پرسش‌نامه‌هایی در جهت سنجش تفکر مجرمانه متمرکز بوده‌اند که می‌توان به فرم ۸۰

1. Allerbeck
2. Hermann
3. Frude
4. CRIME-PICS II
5. Chui
6. Crime Pics II
7. Feasey & Williams

سؤالی سبک‌های تفکر جنایی والترز (۱۹۹۵)، فرم ۲۰ سؤالی تفکر جنایی فاسانو و اوسینوو^۱ (۲۰۲۳)، پرسش‌نامه ۳۷ سؤالی سبک‌های تفکر جنایی نایت^۲ و همکاران (۲۰۰۶) و فرم کوتاه ۳۵ سؤالی والترز (۲۰۰۶) اشاره کرد. از بین این ابزارهای ارزیابی تفکر جنایی، اخیراً فرم بلند سبک‌های تفکر جنایی والترز (۱۹۹۵) در جامعه زندانیان شهر شیراز در سال ۱۴۰۱ هنجاریابی و شاخص‌های روان‌سنجی آن تأیید شده است (شرفی‌زادگان و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۹). شمالی و برخورداری (۱۴۰۳) نیز فرم کوتاه ۳۵ سؤالی والترز (۲۰۰۶) را در جامعه زندانیان هنجاریابی کردند. با این حال، این مطالعات بر جوامع خاص مانند بزهکاران یا زندانیان متمرکز بوده‌اند و ابزارهای موجود بر جمعیت عمومی کمتر متمرکز بوده‌اند (شرفی‌زادگان و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۹). این شکاف پژوهشی ضرورت طراحی ابزاری خاص برای سنجش نگرش به جرم در جمعیت عمومی ایران را برجسته می‌کند.

مبانی نظری

گرایش برخی از افراد به جرم از جمله پدیده‌های اجتماعی پیچیده‌ای است که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر جوامع مختلف دارد (نابلوک^۳ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۰۵). زندگی اجتماعی تحت تأثیر و کنترل هنجارها و قواعد اجتماعی قرار دارد و هنجارها به طور ساده به عنوان معیارهایی برای رفتارهای قابل قبول و غیرقابل قبول در موقعیت‌های مختلف تعریف می‌شوند که به دسته‌هایی مانند عرف، آداب و رسوم و قوانین تقسیم می‌شوند و عدم پایبندی به این قواعد اجتماعی نرخ شیوع جرم را افزایش می‌دهد (نوغانی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۴: ۸۵). گرایش به جرم به اعمالی اشاره دارد که از منظر هنجارهای حقوقی یا اجتماعی به‌عنوان رفتارهای انحرافی یا ضد اجتماعی توصیف و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و معمولاً، مجازات‌هایی را به همراه دارد (کلاینارد و میر^۴، ۱۹۶۳). افزایش نرخ جرم در دو دهه اخیر در سطح جهانی نگرانی‌های زیادی را برانگیخته است (یانگ^۵ و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۰۶؛ شمالی و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۸۵؛ نوباخر^۶ و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۰۳). ایران نیز، با وجود تلاش‌های صورت گرفته در جهت کاهش جرم، شاهد افزایش برخی از جرائم، به‌ویژه جنایات خشن، سرقت و جرائم سایبری بوده است (کرمی تقی‌بی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۷؛ شمالی و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۸۵).

1. Fasanu & Osinowo
2. Knight
3. Knoblauch
4. Clinard & Meier
5. Yang
6. Neubacher

برای تحلیل گرایش به جرم می‌توان از چندین نظریه روان‌شناختی بهره برد که هر یک جنبه متفاوتی از این رفتار را توضیح می‌دهند. در ادامه، سه نظریه کلیدی بررسی می‌شوند:

نظریه یادگیری اجتماعی^۱: نظریه یادگیری اجتماعی، که توسط بندورا توسعه یافته است، بیان می‌کند که رفتارهای مجرمانه می‌توانند از طریق مشاهده و تقلید از دیگران آموخته شوند (بندورا^۲، ۱۹۷۷: ۱۶۱). بر اساس این نظریه، افراد با قرارگرفتن در معرض الگوهای رفتاری انحرافی، به‌ویژه در محیط‌هایی که جرم به‌عنوان یک رفتار قابل‌قبول تلقی می‌شود، به تدریج این رفتارها را درونی می‌کنند؛ برای مثال، در جوامعی که خشونت یا سرقت به‌طور گسترده‌ای مشاهده می‌شود، احتمال یادگیری و تکرار چنین رفتارهایی افزایش می‌یابد. این نظریه می‌تواند توضیح‌دهنده افزایش جرائم خشن در ایران باشد، به‌ویژه در مناطقی که افراد در معرض الگوهای رفتاری پرخاشگرانه قرار دارند (ریدر و هاینیز^۳، ۲۰۱۱: ۲۹۱).

نظریه کنترل اجتماعی^۴: نظریه کنترل اجتماعی، که توسط هیرشی^۵ ارائه شده است، بر این ایده تأکید دارد که گرایش به جرم زمانی افزایش می‌یابد که پیوندهای فرد با جامعه (مانند خانواده، مدرسه و نهادهای اجتماعی) ضعیف شود. این نظریه چهار عنصر اصلی را برای کنترل رفتار معرفی می‌کند: دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور. هنگامی که این پیوندها سست شوند، فرد کمتر احساس مسئولیت نسبت به رعایت هنجارها می‌کند و احتمال ارتکاب جرم افزایش می‌یابد. در ایران، عواملی مانند فروپاشی ساختارهای سنتی خانواده و افزایش مهاجرت داخلی می‌تواند این پیوندها را تضعیف کرده و به افزایش نرخ جرم منجر شوند (ایوانز^۶ و همکاران، ۱۹۷۷: ۴۷۵).

نظریه فشار^۷: نظریه فشار، که توسط مرتون^۸ (۱۹۳۸) توسعه یافت، بیان می‌کند که جرم زمانی رخ می‌دهد که افراد به اهداف مشروع اجتماعی (مانند موفقیت مالی) دسترسی نداشته باشند، اما فشار فرهنگی برای دستیابی به آن‌ها همچنان وجود داشته باشد. این عدم تطابق بین اهداف و وسایل در دسترس، فشار روانی ایجاد می‌کند و افراد را به سمت رفتارهای انحرافی مانند سرقت یا تقلب سوق می‌دهد. مرتون پنج شیوه سازگاری (هم‌نوایی، نوآوری، آیین‌گرایی،

1. Social Learning Theory
2. Bandura
3. Rader & Haynes
4. Social Control Theory
5. Hirschi
6. Evans
7. Strain Theory
8. Merton

عقب نشینی و طغیان) را معرفی کرد که نوآوری اغلب با جرم مرتبط است. این نظریه در توضیح جرائم اقتصادی در جوامع نابرابر کاربرد دارد (لیپر پیکورو و سیلاک^۱، ۲۰۱۰: ۱۷۰).

نظریه برچسب زنی^۲: نظریه برچسب زنی، که توسط بیکر^۳ (۱۹۶۳) مطرح شد، بر این ایده تمرکز دارد که انحراف و جرم نتیجه برچسب هایی هستند که جامعه به افراد می زند. هنگامی که فردی به عنوان «مجرمانه» برچسب می خورد، این هویت تحمیل شده می تواند رفتار او را تقویت کرده و او را به سمت جرم بیشتر هدایت کند. این نظریه بر فرآیندهای اجتماعی مانند تعامل با نهادهای قضایی و واکنش های عمومی تأکید دارد و معتقد است که جرم نه ذاتی، بلکه محصول تعاریف اجتماعی است. این دیدگاه در تحلیل تأثیر سیستم عدالت کیفری بر تکرار جرم مفید است (کنی^۴، ۲۰۰۲: ۲۳۵).

روش

این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع پژوهش های کمی و به لحاظ هدف، از نوع مطالعات کاربردی است. روش پژوهش، پیمایشی بود که در آن، به اعتباریابی پرسش نامه نگرش به جرم در جامعه افراد بزرگسال شهر اردکان پرداخته شد. جامعه آماری تحقیق شامل افراد بزرگسال با محدوده سنی ۲۰ سال تا ۶۰ سال شهر اردکان در سال ۱۴۰۳ با تعداد تقریبی ۶۲۰۰۰ نفر بودند. نمونه گیری به روش دوطرفه انجام شد و معیارهای ورود به مطالعه شامل: داشتن سن ۲۰ تا ۶۰ سال، سکونت در شهر اردکان، سواد حداقل راهنمایی برای درک سؤالات، داشتن رضایت برای شرکت در پژوهش و معیارهای خروج از مطالعه نیز شامل عدم دقت در پاسخگویی به پرسش نامه ها در نظر گرفته شد. به منظور جمع آوری اطلاعات، پرسش نامه ها به صورت برخط طراحی و در گروه های مجازی مختلف منتشر شد. ابزار پژوهش به گونه ای طراحی شده بود که افراد فاقد معیارهای ورود فقط به بخشی از سؤالات سلامت روان دسترسی داشتند تا از ورود آن ها به مطالعه جلوگیری شود. در این پژوهش، محرمانه بودن داده ها و عدم وجود مشکلات قانونی و مالی و عدم تضاد با ارزش های فرهنگی و مذهبی برای شرکت کنندگان به عنوان ملاحظات اخلاقی تضمین شد.

1. Leeper Piquero & Sealock
2. Labeling Theory
3. Baker
4. Kenney

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه نگرش به جرم: فرم اولیه این پرسش‌نامه که یک معیار خودگزارشی است، در ۳۲ سؤال برای ارزیابی نگرش به جرم طراحی شد. سؤالات پرسش‌نامه بر اساس مصاحبه‌های عمیق انجام‌شده در طی سه ماه با ۱۷ مجرم محکوم در زندان (۱۱ مرد و ۶ زن) و ۲۲ نفر از جمعیت عمومی (۱۳ مرد و ۹ زن) در محدوده سنی ۲۰ تا ۶۰ سال و بررسی منابع پژوهشی، کسب نظر خبرگان دانشگاهی و غیردانشگاهی طراحی شد. فرم اولیه پرسش‌نامه دارای ۳۵ سؤال بود که در نهایت، پس از کسب نظر خبرگان و ادغام برخی از سؤالات به ۳۲ سؤال کاهش یافت. پاسخگویی به سؤالات در یک مقیاس ۵ گزینه‌ای شامل کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نه موافق و نه مخالف (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵) انجام می‌شود.

فرم کوتاه پرسشنامه تفکر جنایی^۱: یک ابزار خودگزارشی ۳۵ سؤالی است که مانند تمام نسخه‌های تفکر جنایی، برای ارزیابی الگوهای فکری مرتبط با رفتارهای جنایی توسط والترز (۲۰۰۶)، طراحی و توسط کافمن^۲ برای اندازه‌گیری تفکر جنایی در جمعیت‌های غیرمجرم توسعه یافته است (والترز، ۲۰۱۱: ۱۸۹). سؤالات در طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای شامل: ۱= کاملاً مخالف، ۲= مخالف، ۳= موافق و ۴= کاملاً موافق، تنظیم شده است. پرسشنامه دارای دو زیرمقیاس تفکر جنایی فعال و واکنشی^۳ است. تفکر جنایی فعال (برای مثال: اگر خانواده یا دوستانم به پول نیاز داشته باشند، برایم مهم نیست که از راه خلاف آن را به دست بیاورم تا نیاز آن‌ها رفع شود)، نمایانگر جنبه‌های برنامه‌ریزی شده، محاسبه‌شده و خنثی‌کننده فرآیند تفکر جنایی است؛ تفکر جنایی واکنشی (برای مثال: کار خلاف را تا زمانی که مطمئن نشوم ممکن است گیر بیفتم، ادامه می‌دهم)، جنبه‌های تکانشی، بی‌پروا بودن و هیجانی را در بر می‌گیرد (والترز، ۲۰۰۷: ۳۷۱). برای بُعد تفکر جنایی فعال سؤالات: ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۵ و برای بُعد تفکر جنایی واکنشی سؤالات: ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴ در نظر گرفته شده است. میانگین نمرات برای تفکر جنایی فعال ۳۷/۵ و برای بُعد تفکر جنایی واکنشی ۵۰ و برای نمره کل مقیاس تفکر جنایی ۸۷/۵ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده تفکر جنایی بالاتر خواهد بود (والترز، ۲۰۰۲: ۲۷۸). در یک مطالعه میچل^۴ و همکاران (۲۰۱۷)، ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه را در بین دانشجویان بدون سابقه دخالت دادگستری ارزیابی کرد. نتایج تحلیل عاملی

1. PICTS-L-SF
2. Kaufman
3. Proactive And Reactive Criminal Thinking
4. Mitchell

تاییدی طبقه‌بندی دو عاملی ساختار تفکر جنایی را با یک تفکر جنایی عمومی و دو عامل خاص (یعنی تفکر جنایی فعال و تفکر جنایی واکنشی) پشتیبانی کرد و روایی پرسشنامه مناسب ارزیابی شد. علاوه بر این، به منظور بررسی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و گویه‌ها برای مقیاس‌های تفکر جنایی فعال ($\alpha=0/87$)، تفکر جنایی واکنشی ($\alpha=0/91$) و تفکر جنایی عمومی ($\alpha=0/93$) به دست آمد که سازگاری درونی قوی را نشان می‌دهد. در ایران، شمالی و برخورداری (۱۴۰۳)، ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌شناختی سبک‌های تفکر جنایی را جامعه آماری زندانیان مرد محکوم بررسی و نشان دادند که فرم نهایی پرسش‌نامه تفکر جنایی دارای ۳۱ سؤال است (حداقل و حداکثر نمره ۳۱ تا ۱۲۴)، بُعد تفکر جنایی فعال دارای ۱۴ سؤال (حداقل و حداکثر نمره ۱۴ تا ۵۶) و بُعد تفکر جنایی واکنشی دارای ۱۷ سؤال (حداقل و حداکثر نمره ۱۷ تا ۶۸) و نمرات بالاتر نیز به معنای تفکر جنایی بالاتر است. همسانی درونی از طریق محاسبه ضریب همبستگی هر یک از سؤالات با ابعاد مقیاس محاسبه شد و ضرایب مطلوب بودند. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم از برازش مطلوبی برخوردار بود و نتایج نشان داد بارهای عاملی بالاتر از ۰/۴۰ است. مقدار آلفای کرونباخ برای تفکر جنایی فعال، واکنشی و نمره کل تفکر جنایی به ترتیب، ۰/۸۹، ۰/۹۱ و ۰/۹۵ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه بود. در مطالعه حاضر، مقدار آلفای کرونباخ برای تفکر جنایی فعال، واکنشی و نمره کل تفکر جنایی به ترتیب، ۰/۸۹۶، ۰/۹۰۵ و ۰/۹۳۳ به دست آمد (شمالی و برخورداری، ۱۴۰۳: ۱۲).

پرسش‌نامه خودکنترلی تانجی^۱: این پرسشنامه شامل ۱۳ سؤال است که توسط تانجی^۲ و همکاران در سال ۲۰۰۴ ساخته شده است. هدف آن، سنجش میزان کنترل افراد بر خودشان است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده که امتیاز مربوط به هر گزینه از هرگز تا بسیار زیاد رتبه‌بندی شده است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده و از هرگز (۱) تا همیشه (۵) تنظیم شده است. شیوه نمره‌گذاری در مورد سؤالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۳ معکوس است. امتیاز بالاتر به معنای خودکنترلی بالاتر است. در پژوهش تانجی و همکاران (۲۰۰۴)، روایی این مقیاس با ارزیابی همبستگی آن با مقیاس‌های پیشرفت تحصیلی، سازگاری، روابط مثبت و مهارت‌های بین‌فردی مورد تایید قرار گرفته است (به نقل از تانجی و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۷۳). روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش موسوی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۴) محاسبه و مورد تایید و پایایی آن نیز بر روی دو نمونه آماری با استفاده از آزمون آلفای

1. Self- Control Scale (SCS)
2. Tangney

کرونباخ ۰/۸۳ و ۰/۸۵ به دست آمده است. در پژوهش شمالی و همکاران (۲۰۲۴)، پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۸۱۹ گزارش شد. در پژوهش حاضر نیز مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۳۹ به دست آمد.

روش اجرای پژوهش

برای طراحی اولیه سؤالات، از منابع اطلاعاتی متنوعی استفاده شد. این منابع شامل مصاحبه‌های عمیق با ۱۷ مجرم محکوم در زندان (۱۱ مرد و ۶ زن) و ۲۲ نفر از جمعیت عمومی (۱۳ مرد و ۹ زن) در محدوده سنی ۲۰ تا ۶۰ سال، ابزارهای موجود، نظرات خبرگان دانشگاهی و غیردانشگاهی، مقالات مرتبط، یافته‌های تحقیقات پیشین و اخبار و رسانه‌های اجتماعی بود. در نهایت، این اطلاعات جمع‌بندی و تحلیل شدند. در مرور ادبیات، تمرکز بر تدوین فهرستی از نگرش‌های افراد نسبت به جرم و قوانین بود که در نهایت، در ۳۵ سؤال خلاصه شد. سپس، با بازبینی سؤالات و دریافت نظرات خبرگان، موارد و ابعاد همپوشان شناسایی، ترکیب یا بازسازماندهی شدند. در نهایت، ۳۲ سؤال به‌عنوان گویه‌های نهایی پرسش‌نامه نگرش به جرم انتخاب شدند. در مرحله بعد، ابزار روی یک نمونه مقدماتی ۱۳۰ نفری بررسی شد. پس از حذف ۶ سؤال که باعث افزایش آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه از کمتر از ۰/۷ به ۰/۸۰۹ شدند، پایایی کل سؤالات ۰/۸۰۹ به دست آمد. در فرم نهایی پرسش‌نامه، حداقل نمره ۲۶ و حداکثر نمره ۱۳۰ بود. کسب نمره بالاتر نشان‌دهنده نگرش مثبت‌تر به جرم است. در مرحله بعد، داده‌های اصلی طی یک ماه جمع‌آوری شدند. در این مدت، ۲۸۸۴ نفر پرسش‌نامه‌ها را مشاهده کردند و ۶۸۹ نفر به سؤالات پاسخ دادند. از این تعداد، ۵۸۸ نفر معیارهای ورود به پژوهش را داشتند. سپس، پس از بررسی داده‌ها و حذف پاسخ‌های نامعتبر یا ناقص، ۵۷۴ پاسخ تحلیل شدند. برای بررسی روایی همگرا، از فرم کوتاه پرسش‌نامه تفکر جنایی (کنشی-واکنشی) والترز (۲۰۰۶) و برای بررسی روایی واگرا، از پرسش‌نامه خودکنترلی تانجی (۲۰۰۴) استفاده شد. همسانی درونی پرسش‌نامه از طریق محاسبه همبستگی هر سؤال با نمره کل بررسی شد. همچنین، برای ارزیابی روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. علاوه بر این، پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های زیر تحلیل شدند: آمار توصیفی، ضرایب آلفای کرونباخ، همبستگی پیرسون، آزمون KMO، آزمون بارتلت و چرخش متعامد. تحلیل‌ها با استفاده از نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS و نسخه ۲۴ نرم‌افزار AMOS انجام شد.

نتایج

بررسی ویژگی های جمعیت شناختی شرکت کنندگان نشان داد از مجموع ۵۷۴ شرکت کننده در پژوهش، ۲۸۱ نفر (۴۸/۹ درصد) از شرکت کنندگان مرد و ۲۹۳ نفر (۵۱/۱ درصد) نیز زن بوده‌اند. تحصیلات ۸۹ نفر (۱۵/۵ درصد) راهنمایی و سیکل، ۲۵۶ نفر (۴۴/۶ درصد) دبیرستان و دیپلم و ۲۲۹ نفر (۳۹/۹ درصد) نیز دانشگاهی بود. میانگین و انحراف معیار نمرات متغیرهای پژوهش به همراه وضعیت نرمال بودن داده‌های پژوهش به تفکیک جنسیت در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نگرش به جرم به تفکیک جنسیت (N=۵۷۴)

متغیر	مولفه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
نگرش به جرم	زن	۴۰/۳۳	۱۱/۳۸	۰/۵۰۴	۱/۲۷۳
	مرد	۴۳/۰۵	۱۳/۹۲	-۱/۹۲۵	۰/۳۳۴
	راهنمایی و سیکل	۴۲/۳۸	۱۴/۵۹	۱/۰۴۹	۰/۲۰۲
	دبیرستان و دیپلم	۴۷/۱۰	۱۳/۸۰	-۱/۲۶۲	۱/۱۵۹
	دانشگاهی	۳۹/۵۲	۱۱/۰۱	۰/۹۰۸	۰/۲۵۸
	کل	۴۰/۹۲	۱۲/۰۱	۱/۶۰۵	-۰/۰۹۵
عقلانی سازی جرم ^۱	زن	۲۶/۲۲	۸/۰۳	-۱/۲۱۷	۰/۵۰۴
	مرد	۲۸/۶۶	۹/۹۹	۱/۲۳۶	۰/۵۲۵
	راهنمایی و سیکل	۲۸/۰۰	۱۰/۶۷	۰/۳۰۸	۱/۰۴۴
	دبیرستان و دیپلم	۳۰/۶۸	۱۰/۲۰	۰/۰۲۸	-۱/۴۶۲
	دانشگاهی	۲۵/۸۴	۷/۷۶	-۰/۲۶۷	-۰/۰۰۸
	کل	۲۶/۷۵	۸/۵۴	۰/۴۲۹	۱/۶۸۵
ادراک بی عدالتی قانون ^۲	زن	۱۴/۱۱	۴/۵۵	۰/۴۳۸	-۱/۳۱۷
	مرد	۱۴/۳۸	۵/۱۶	۱/۰۰۹	۱/۴۳۷
	راهنمایی و سیکل	۱۴/۳۷	۶/۱۷	۱/۵۴۷	۰/۳۶۸
	دبیرستان و دیپلم	۱۶/۴۲	۴/۸۸	۰/۳۲۵	۰/۶۲۸
	دانشگاهی	۱۳/۶۸	۴/۴۰	-۰/۱۴۴	۰/۱۶۱
	کل	۱۴/۱۷	۴/۶۸	-۰/۴۲۲	۰/۴۶۲

بر اساس یافته‌های جدول ۱، مقدار کجی و کشیدگی در بازه مجاز ۲ تا ۲- قرار دارد که حاکی از نرمال بودن توزیع نمرات است. میانگین نمره مردان در متغیر نگرش به جرم و زیرمقیاس‌های

1. Rationalization of Crime
2. Perceived Injustice of the Law

آن یعنی عقلانی‌سازی جرم و ادراک بی‌عدالتی قانون بیشتر از زنان است، اگرچه این تفاوت ملوس نیست. همچنین، بیشترین میانگین نگرش به جرم و زیرمقیاس‌های آن یعنی عقلانی‌سازی جرم و ادراک بی‌عدالتی قانون در تحصیلات دبیرستان و دیپلم و کمترین آن مربوط به تحصیلات دانشگاهی بوده است. پیش از انجام تحلیل عاملی، ضریب آلفای کرونباخ گویه‌های پرسش‌نامه و همبستگی آیتم تصحیح‌شده هر گویه با نمره‌کل پرسش‌نامه بررسی شد. پس از بررسی ضریب آلفای کرونباخ هر گویه به روش لوپ، مشخص شد که همه گویه‌های پرسش‌نامه نقش مناسبی در افزایش ضریب همسانی درونی کل آزمون داشتند. مقدار آلفای کرونباخ نیز ۰/۹۲۲ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسش‌نامه است. به منظور بررسی روایی همگرا و واگرا، ضرایب همبستگی بین تفکر جنایی و خودکنترلی با پرسش‌نامه نگرش به جرم محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ضرایب بین تفکر جنایی و خودکنترلی با پرسش‌نامه نگرش به جرم به منظور بررسی روایی همگرا و واگرا

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
تفکر جنایی	نگرش به جرم	۰/۴۷۸	۰/۰۰۱
تفکر جنایی کنشی		۰/۴۴۹	۰/۰۰۱
تفکر جنایی واکنشی		۰/۳۹۵	۰/۰۰۱
خودکنترلی		-۰/۵۳۷	۰/۰۰۱
تفکر جنایی	عقلانی‌سازی جرم	۰/۴۴۳	۰/۰۰۱
تفکر جنایی کنشی		۰/۴۵۳	۰/۰۰۱
تفکر جنایی واکنشی		۰/۳۴۰	۰/۰۰۱
خودکنترلی		-۰/۵۰۲	۰/۰۰۱
تفکر جنایی	ادراک بی‌عدالتی قانون	۰/۸۱۵	۰/۰۰۱
تفکر جنایی کنشی		۰/۹۱۴	۰/۰۰۱
تفکر جنایی واکنشی		۰/۴۱۸	۰/۰۰۱
خودکنترلی		-۰/۴۹۲	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین تفکر جنایی و نگرش به جرم رابطه مثبت معنی‌دار ($T=0/478$; $P<0/001$)؛ بین تفکر جنایی کنشی و نگرش به جرم رابطه مثبت معنی‌دار ($T=0/449$; $P<0/001$)؛ بین تفکر جنایی واکنشی و نگرش به جرم رابطه مثبت

معنی دار ($r=0/395$; $P<0/001$)؛ بین خودکنترلی و نگرش به جرم رابطه منفی معنی دار ($r=-0/537$; $P<0/001$)؛ بین تفکر جنایی و عقلانی سازی جرم رابطه مثبت معنی دار ($r=0/443$; $P<0/001$)؛ بین تفکر جنایی کنشی و عقلانی سازی جرم رابطه مثبت معنی دار ($r=0/453$; $P<0/001$)؛ بین تفکر جنایی واکنشی و عقلانی سازی جرم رابطه مثبت معنی دار ($r=0/340$; $P<0/001$)؛ بین خودکنترلی و عقلانی سازی جرم رابطه منفی معنی دار ($P<0/001$)؛ بین تفکر جنایی و ادراک بی عدالتی قانون رابطه مثبت معنی دار ($r=-0/502$; $P<0/001$)؛ بین تفکر جنایی کنشی و ادراک بی عدالتی قانون رابطه مثبت معنی دار ($r=0/815$; $P<0/001$)؛ بین تفکر جنایی واکنشی و ادراک بی عدالتی قانون رابطه مثبت معنی دار ($r=0/914$; $P<0/001$) و بین خودکنترلی و ادراک بی عدالتی قانون رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($r=-0/492$; $P<0/001$) که روایی همگرا و واگرا را تأیید می کند. شاخص های توصیفی و نقش گویه های آزمون در همسانی درونی کل آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- شاخص های توصیفی و نقش گویه های آزمون در همسانی درونی کل آزمون

گویه ها در هر سؤال، کدام گزینه بهتر شما را توصیف می کند؟	میانگین	همبستگی آیتم تصحیح شده- کل	ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف گویه	بار عاملی
بخش اول: عقلانی سازی جرم ($\alpha=0/915$)				
به نظر من، در برخی شرایط، انجام جرم می تواند به نفع فرد باشد.	۳۹/۳۰	۰/۵۲۱	۰/۹۲۰	۰/۵۲۸
به نظر من، سرقت های کوچک مانند دزدی از فروشگاه ها، آسیب چندانی به کسی نمی زند.	۳۹/۶۴	۰/۵۹۸	۰/۹۱۹	۰/۶۸۶
به نظر من، افراد برای رسیدن به اهدافشان حق دارند گاهی قوانین را دور بزنند.	۳۹/۳۵	۰/۶۶۳	۰/۹۱۷	۰/۶۵۵
به نظر من، پنهان کردن عیب ماشین به هنگام فروش آن مشکلی ندارد.	۳۹/۵۷	۰/۵۶۵	۰/۹۱۹	۰/۶۱۱
به نظر من، فروش مواد مخدر به افراد معتاد می تواند به آن ها کمک کند.	۳۹/۵۵	۰/۴۶۹	۰/۹۲۰	۰/۵۱۱
به نظر من، مردم باید مثل دولت	۳۹/۵۰	۰/۶۰۵	۰/۹۱۸	۰/۶۲۹

				دزدی کنند.
۰/۴۴۹	۰/۹۱۹	۰/۵۲۶	۳۹/۴۶	به نظر من، بی پولی می تواند توجیهی برای دزدی باشد.
۰/۵۵۳	۰/۹۱۹	۰/۵۵۶	۳۹/۴۵	به نظر من، دزدی‌های کوچک در مقابل اختلاس و دزدی‌های بزرگ قابل توجیه است.
۰/۴۹۹	۰/۹۲۰	۰/۴۸۸	۳۹/۴۷	به نظر من، مصرف یا فروش مشروبات الکلی در مکان‌های عمومی به خودی خود یک جرم جدی نیست.
۰/۴۶۱	۰/۹۲۰	۰/۴۶۹	۳۹/۳۷	به نظر من، آدم‌ربایی ممکن است در برخی موارد با اهداف خیرخواهانه انجام شود.
۰/۷۵۹	۰/۹۱۸	۰/۶۷۲	۳۹/۶۹	به نظر من، اگر در اینترنت افرادی ساده باشند، باید سر آن‌ها کلاه گذاشت.
۰/۶۳۶	۰/۹۱۹	۰/۵۴۱	۳۹/۵۸	به نظر من، هک کردن یک حساب بانکی خیلی جذاب و هنری است.
۰/۶۰۵	۰/۹۱۹	۰/۵۵۴	۳۹/۵۷	به نظر من، شارژ گرفتن از افراد در فضای مجازی زرنگی است.
۰/۶۷۹	۰/۹۱۹	۰/۵۹۸	۳۹/۶۰	به نظر من، قمار یک فعالیت بسیار جذاب است و نباید برای آن مجازاتی در نظر گرفته شود.
۰/۷۰۵	۰/۹۱۹	۰/۵۸۷	۳۹/۶۰	به نظر من، جعل مدارک یک فعالیت جذاب است.
۰/۷۵۲	۰/۹۱۸	۰/۶۵۸	۳۹/۶۶	به نظر من، چون دولت حق ما را می خورد، آسیب زدن به اموال عمومی اشکالی ندارد.
۰/۶۰۱	۰/۹۲۰	۰/۵۳۷	۳۹/۶۳	به نظر من، خرید و فروش کالاهای دزدی اشکالی ندارد.
۰/۷۰۶	۰/۹۱۷	۰/۶۷۹	۳۹/۳۴	به نظر من، دورزدن قانون، یک هنر است که هر کسی ندارد.
۰/۵۲۰	۰/۹۲۰		۳۹/۵۳	به نظر من، دادگاه‌ها باید تعطیل شوند.

بخش دوم: ادراک بی عدالتی قانون ($\alpha=0/812$)				
۰/۵۸۴	۰/۹۲۱	۰/۴۹۳	۳۹/۱۱	به نظر من، فرار از مالیات حق هر یک از شهروندان است.
۰/۵۲۴	۰/۹۲۱	۰/۴۸۷	۳۹/۶۷	به نظر من، مجازات ها عموماً سنگین تر از خود جرم هستند.
۰/۵۷۰	۰/۹۲۱	۰/۴۸۹	۳۹/۵۵	به نظر من، بسیاری از مجازات ها غیرانسانی و ناعادلانه اند.
۰/۵۶۳	۰/۹۲۰	۰/۴۷۷	۳۹/۹۶	به نظر من، قضات باید حکم های سبک تری به مجرمان بدهند.
۰/۷۲۰	۰/۹۲۰	۰/۵۱۹	۳۹/۹۹	به نظر من، چون قوانین ناعادلانه هستند، افراد می توانند در برخی موارد از قانون تخلف کنند.
۰/۶۴۱	۰/۹۱۷	۰/۶۵۱	۳۹/۲۰	به نظر من، افراد حق دارند برخی قوانین را نادیده بگیرند، اگر به نفع آن ها باشد.
۰/۵۱۰	۰/۹۲۰	۰/۵۰۲	۳۹/۸۵	به نظر من، غیرمنصفانه بودن بسیاری از قوانین می تواند دلیل خوبی برای نادیده گرفتن آن ها باشد.

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می شود، همه گویه های آزمون از همبستگی مناسبی با نمره کل آزمون برخوردار هستند و ضریب همبستگی همه گویه ها بیشتر از $0/3$ ($0/469$ تا $0/679$) است. همچنین، نتایج جدول ۲ نشان می دهد که بارهای عامل هر یک از سؤالات در محدوده $0/449$ تا $0/759$ و بالاتر از $0/4$ قرار دارد که مطلوب است. علاوه بر این، ضرایب آلفای کرونباخ برای عقلانی سازی جرم ($\alpha=0/915$) و ادراک بی عدالتی قانون ($\alpha=0/812$) بالاتر از $0/7$ به دست آمد. مقدار KMO و آزمون کرویت بارتلت برای پرسش نامه نگرش به جرم در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- مقدار KMO و آزمون کرویت بارتلت برای پرسش‌نامه نگرش به جرم

آزمون کفایت نمونه‌برداری (KMO)		۰/۹۱۲
آزمون کرویت بارتلت	تخمین خبی دو	۳۴۲۱/۶۵۲
	درجه آزادی	۳۲۵
	معنی‌داری	۰/۰۰۱

به منظور تحلیل عاملی اکتشافی ابتدا، امکان انجام دادن تحلیل عاملی بر روی نمونه پژوهش با استفاده از آزمون بارتلت و شاخص کفایت نمونه‌برداری KMO بررسی شد. مطابق جدول ۴، مقدار KMO در پرسش‌نامه نگرش به جرم برابر ۰/۹۱۲ به دست آمد. با توجه به این که اندازه KMO بالاتر از ۰/۷ است، می‌توان تحلیل عاملی را انجام داد و داده‌ها از کفایت حجم نمونه برخوردار است. همچنین، مقدار خبی ۲ در آماری آزمون کرویت بارتلت (۳۴۲۱/۶۵۲) و معنی‌دار به دست آمد ($P < ۰/۰۰۱$). بنابراین، علاوه بر کفایت نمونه‌برداری، انجام دادن تحلیل عاملی نیز پذیرفتنی است. همچنین، نتایج همبستگی آنتی‌ایمیج^۱ و قطر اصلی آن (معیار بالای ۰/۵) نشان داد که داده‌های این پژوهش قابلیت استخراج عوامل را دارد و کفایت نمونه با توجه به ضرایب همبستگی بین گویه‌ها و ضرایب قطر اصلی ماتریس همبستگی مناسب است. واریانس کل توضیح داده‌شده، مقادیر ماتریس مؤلفه‌ها و مشترکات در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- واریانس کل توضیح داده‌شده، مقادیر ماتریس مؤلفه‌ها و مشترکات

شماره	مشترکات	مؤلفه‌ها	مقادیر ویژه اولیه					
			کل	درصد	کل	درصد	کل	درصد
مجموع چرخش مربعی	پس از چرخش	مجموع بارهای مربعی	کل	درصد	کل	درصد	کل	درصد
۱	۰/۳۳۰	۰/۵۱۰	۴۸	۷۴۷	۴۸	۷۴۷	۷۴۷	۰۹
			۳	۳۶	۳۶	۹/۳	۳۶	۲۷
			۹					۷
۲	۰/۵۴۱	۰/۷۲۲	۰۳	۷/۸۲۱	۰۳	۲۹۵	۱۸۲۱	۴۲
			۳	۴۴	۲/۳	۴۴	۷	۱۷
			۲					۴

1 . Anti-image Correlation

t۳	۰/۵۰۲	۰/۵۵۵	۳۶	۵/۲۵۲	۰/۵۴۷
			/۶		۴۹
			۱		
t۴	۰/۴۰۴	۰/۵۷۵	۱۷	۴/۵۱۵	۰/۰۶۲
			/۴		۵۴
			۱		
t۵	۰/۲۸۹	۰/۴۸۹	۱۰	۴/۲۳۸	۰/۳۰۰
			/۲		۵۸
			۱		
t۶	۰/۴۳۲	۰/۵۶۵	۹۵	۳/۶۷۲	۰/۹۷۲
			/۵		۶۱
			.		
t۷	۰/۳۴۱	۰/۳۸۳	۹۱	۳/۵۱۸	۰/۹۴۰
			/۵		۶۵
			.		
t۸	۰/۳۶۸	۰/۴۵۵	۸۶	۳/۳۴۴	۰/۸۳۴
			/۹		۶۸
			.		
t۹	۰/۲۸۸	۰/۴۵۹	۷۶	۲/۹۲۳	۰/۷۵۷
			۰/		۷۱
t۱۰	۰/۳۶۱	۰/۳۹۵	۷۲	۲/۷۸۷	۰/۳۵۴
			/۵		۷۴
			.		
t۱۱	۰/۶۰۷	۰/۷۵۲	۶۵	۲/۵۵۹	۰/۱۰۳
			/۵		۷۷
			.		
t۱۲	۰/۴۹۱	۰/۶۹۷	۶۲	۲/۴۱۰	۰/۵۱۳
			/۷		۷۹
			.		
t۱۳	۰/۴۰۰	۰/۵۹۲	۵۹	۲/۲۸۳	۰/۷۹۶
			/۴		۸۱
			.		
t۱۴	۰/۵۲۳	۰/۷۰۹	۵۳	۲/۰۶۲	۰/۸۵۸

۸۳		/۶				
		.				
۷۸۲	۱/۹۲۴	۵۰	۰/۷۷۰	۰/۵۹۶	t۱۵	
۸۵		/۰				
		.				
۶۲۹	۱/۸۴۷	۴۸	۰/۷۴۵	۰/۵۹۵	t۱۶	
۸۷		/۰				
		.				
۳۴۹	۱/۷۲۰	۴۴	۰/۶۱۸	۰/۴۰۸	t۱۷	
۸۹		/۷				
		.				
۸۴۹	۱/۵۰۱	۳۹	۰/۶۱۶	۰/۵۲۹	t۱۸	
۹۰		/۰				
		.				
۳۰۸	۱/۴۵۹	۳۷	۰/۴۶۸	۰/۳۸۰	t۱۹	
۹۲		/۹				
		.				
۷۱۱	۱/۴۰۳	۳۶	۰/۳۹۹	۰/۳۹۴	m۱	
۹۳		/۵				
		.				
۹۵۵	۱/۲۴۴	۳۲	۰/۶۷۰	۰/۴۶۷	m۲	
۹۴		/۳				
		.				
۱۴۱	۱/۱۸۶	۳۰	۰/۷۵۵	۰/۵۷۵	m۳	
۹۶		/۸				
		.				
۲۶۲	۱/۱۲۲	۲۹	۰/۵۴۶	۰/۳۴۷	m۴	
۹۷		/۲				
		.				
۲۵۷	۰/۹۵۵	۲۵	۰/۶۵۵	۰/۴۷۲	m۵	
۹۸		/۹				
		.				
۱۶۱	۰/۹۰۵	۲۳	۰/۶۹۹	۰/۵۵۹	m۶	

	۹۹	/۵			
		.			
	۱۰۰	/۸	۰/۷۵۶	۰/۵۸۱	۲۱
		.	۰/۸۳۹		
			۰/۰۰۰		

بر اساس نتایج جدول ۵، تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش وایمکس^۱ نشان داد که دو عامل اصلی می‌توانند ۴۴/۲۹۵ درصد از واریانس کل را توضیح دهند. مقادیر ویژه اولیه حاکی از وجود ۵ مؤلفه با مقدار ویژه بیشتر از ۱ بود که ۵۸/۳۰۰ از واریانس را پوشش می‌دادند، اما پس از چرخش، تنها دو عامل اصلی (عقلانی‌سازی جرم با ۲۷/۲۹۰ درصد و ادراک بی‌عدالتی قانون با ۱۷/۰۰۴ درصد) شناسایی شدند. مشترکات متغیرها نیز نشان‌دهنده میزان توضیح واریانس هر متغیر توسط این دو عامل است. بر اساس نتایج جدول ۵، تمامی مقادیر در واریانس کل توضیح داده شده، ماتریس مؤلفه‌ها و مشترکات، مقادیر مطلوب را نشان می‌دهد.



شکل ۱- نمودار اسکری برای تعیین تعداد عوامل پرسش‌نامه

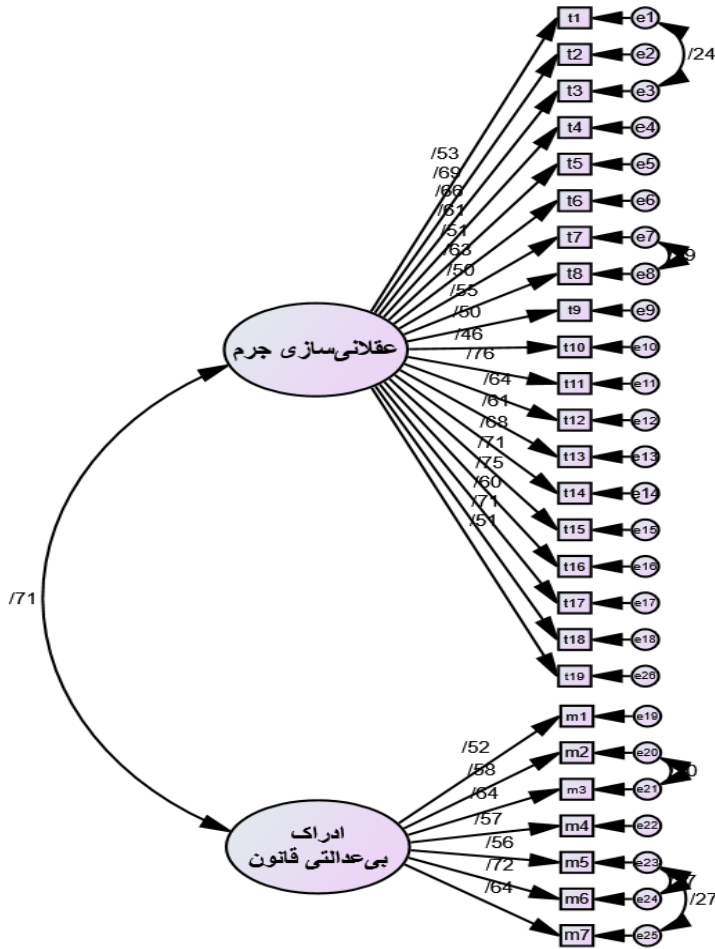
نمودار اسکری نشان می‌دهد که پرسش‌نامه نگرش به جرم دو عاملی است و با توجه به شیب دامنه، دو عامل تشکیل‌دهنده پرسش‌نامه، بالاتر از شیب خط بوده و بقیه عوامل در یک محدوده و نزدیک به هم قرار دارند. شاخص‌های برازندگی تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم در جدول ۶ ارائه شده است.

1. Varimax

جدول ۶- شاخص‌های برازندگی تحلیل عاملی تأییدی

شاخص های برازش	GFI	NFI	CFI	IFI	TLI	RMSEA A	p	df $\chi^2/$	df χ^2
دامنه پذیرش	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	< ۰/۰۸	۰/۰۵	< ۳	>
مقادیر	۰/۹۱۴	۰/۹۲۷	۰/۹۴۹	۰/۹۴۴	۰/۹۲۶	۰/۰۷۹	۰/۰۰۱	۲۹	۷۷۴
بدست آمده	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۲

برای بررسی برازندگی مدل عاملی از روش بیشینه درست‌نمایی استفاده شد. شاخص‌های برای بررسی برازندگی مدل عاملی ریشه واریانس خطای تقریب (RMSEA) ۰/۰۷۹، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۱۴، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۲۷، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۴۹، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) برابر با ۰/۹۴۴ و شاخص توکر-لویس (TLI) برابر با ۰/۹۲۶ به دست آمد که همگی بالای ۰/۹۰ بوده و برای برازش مدل، مدل مطلوب تلقی می‌شوند. همچنین، مقدار $\chi^2/df = ۲/۷۷۴$ به دست آمد که مطلوب است. علاوه بر این، تمامی بارهای عاملی نیز بالاتر ۰/۴ به دست آمد که نشان‌دهنده مطلوب بودن بارهای عاملی است. بدین ترتیب، روایی سازه ابزار از طریق تحلیل عاملی تأییدی، مورد تأیید قرار گرفت. بارهای عاملی هر یک از سؤالات در جدول ۳ و مدل عاملی پرسش‌نامه در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱- بارهای عاملی هر یک از سؤالات پرسش نامه

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتباریابی پرسش نامه نگرش به جرم در جمعیت عمومی ایران انجام شد. این مطالعه با استفاده از روش های روان سنجی پیشرفته، از جمله تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، به بررسی ساختار عاملی، پایایی و روایی این ابزار پرداخت. نتایج نشان داد که پرسش نامه نگرش به جرم دارای دو عامل اصلی، یعنی عقلانی سازی جرم و ادراک بی عدالتی قانون است که در مجموع، ۴۴/۲۹۵ درصد از واریانس کل را تبیین می کنند. این یافته ها نه تنها به اعتباریابی یک ابزار جدید در زمینه جرم شناسی روان شناختی کمک می کند، بلکه درک بهتری از نگرش های افراد نسبت به جرم در بافت فرهنگی ایران ارائه می دهد.

نتایج تحلیل آماری نشان داد که دو عامل اصلی نگرش به جرم، یعنی عقلانی‌سازی جرم و ادراک بی‌عدالتی قانون، در جمعیت عمومی ایران برجسته هستند. این یافته‌ها با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) هم‌راستا است که بیان می‌کند رفتارهای مجرمانه می‌توانند از طریق مشاهده و تقلید از دیگران آموخته شوند. در این مطالعه، عقلانی‌سازی جرم به عنوان مکانیسمی برای توجیه رفتارهای مجرمانه، می‌تواند نتیجه فرآیندهای یادگیری اجتماعی باشد که در آن، افراد از محیط خود الگوهای توجیهی را درونی می‌کنند. همچنین، ادراک بی‌عدالتی قانون با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی (۱۹۶۹) ارتباط دارد؛ ضعف پیوند با نهادهای قانونی و باور به ناعادلانه‌بودن قوانین می‌تواند تمایل به رعایت هنجارها را کاهش دهد و نگرش مثبت به جرم را تقویت کند. این نتایج نشان‌دهنده تأیید این دو نظریه در تحلیل آماری پژوهش حاضر است و بر اهمیت عوامل محیطی و اجتماعی در شکل‌گیری نگرش به جرم تأکید دارد.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که پرسش‌نامه نگرش به جرم از پایایی مناسبی برخوردار است (آلفای کرونباخ کل = ۰/۹۲۲). روایی صوری توسط خبرگان و ضرایب همبستگی مثبت تفکر جنایی و ضرایب همبستگی منفی خودکنترلی پرسش‌نامه نگرش به جرم که همگی بالای ۰/۴ بودند، روایی همگرا و واگرا را تأیید کردند. روایی سازه پرسش‌نامه نگرش به جرم از طریق تحلیل عاملی تأییدی تأیید شد ($RMSEA=0/079$ ، $CFI=0/949$ و $TLI=0/926$). این ابزار با شناسایی دو عامل اصلی، یعنی عقلانی‌سازی جرم (۲۷/۲۹۰ درصد واریانس) و ادراک بی‌عدالتی قانون (۱۷/۰۰۴ درصد واریانس)، توانایی سنجش جنبه‌های مختلف نگرش به جرم را در جمعیت عمومی دارد. این ساختار دوعاملی در بخش‌هایی با مطالعات پیشین از جمله هندرسون و همکاران (۱۹۷۷)، استیلیانو (۲۰۰۳)، بروگ و هرمن (۲۰۲۳)، مایکل و همکاران (۱۹۹۴)، فرود و همکاران (۱۹۹۴)، چویی و همکاران (۲۰۱۶)، همسو است. این ابزارها نیز بر روی ابعاد نگرش به جرم متمرکز بوده‌اند. در عین حال، تفاوت‌هایی نیز در روش، جامعه و نتایج وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، استیلیانو (۲۰۰۳)، بر ادراک شدت جرم به‌عنوان یک بُعد کلیدی تأکید کرده بود، اما پژوهش حاضر نشان داد که در جمعیت ایران، عقلانی‌سازی جرم و ادراک بی‌عدالتی قانون از ابعاد برجسته‌تری برخوردارند. این تفاوت می‌تواند به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران، مانند تأثیر هنجارهای دینی و ارزش‌های خانوادگی، نسبت داده شود (نوغانی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۴). در مقایسه با ساختار دوعاملی مطالعه حاضر، مقیاس چینی چویی و همکاران (۲۰۱۶)، یک ساختار چهارعاملی از پرسش‌نامه نگرش به بزهکاری و اعمال مجرمانه را نشان داد.

نتایج نشان داد که زیرمقیاس عقلانی‌سازی جرم به توجیه و پذیرش رفتارهای مجرمانه توسط افراد اشاره دارد و شامل ۱۹ گویه است که پایایی بالایی را نشان می‌دهد ($\alpha=0/915$). بارهای عاملی گویه‌ها در این زیرمقیاس بین ۰/۴۴۹ تا ۰/۷۵۹ متغیر بود که نشان‌دهنده همبستگی قوی گویه‌ها با عامل مربوطه است. میانگین نمرات این زیرمقیاس در مردان (۲۸/۶۶) بالاتر از زنان (۲۶/۲۲) بود که با یافته‌های بروگ و هرمن (۲۰۲۳)، مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به جرم همخوانی دارد. این نتایج حاکی از آن است که مردان ممکن است تمایل بیشتری به توجیه رفتارهای مجرمانه داشته باشند که می‌تواند به تفاوت‌های اجتماعی‌سازی جنسیتی در ایران مرتبط باشد (شمالی و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۸۵). مقایسه با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که عقلانی‌سازی جرم به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی در پژوهش‌های دیگر نیز مورد توجه بوده است؛ به‌عنوان مثال، فرود و همکاران (۱۹۹۴) به بررسی توجیه رفتارهای مجرمانه پرداختند و پایایی مشابهی ($\alpha > 0/90$) را گزارش کردند. با این حال، پژوهش حاضر با تمرکز بر جمعیت عمومی و نه صرفاً بزهکاران، کاربرد این سازه را در یک زمینه گسترده‌تر نشان می‌دهد. این یافته می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر عوامل محیطی، مانند فقر یا بی‌اعتمادی به نهادهای قانونی، بر نگرش افراد باشد (نابلوک و همکاران، ۲۰۲۵: ۱۰۵).

دیگر نتیجه پژوهش نشان داد زیرمقیاس ادراک بی‌عدالتی قانون به باور افراد درباره ناعادلانه‌بودن قوانین و مجازات‌ها می‌پردازد و شامل ۷ گویه با پایایی مطلوب ($\alpha=0/812$) است. بارهای عاملی این گویه‌ها بین ۰/۵۱۰ تا ۰/۷۲۰ قرار گرفتند که نشان‌دهنده انسجام درونی مناسب این زیرمقیاس است. نتایج نشان داد که میانگین نمرات این زیرمقیاس در افراد با تحصیلات دبیرستان و دیپلم (۱۶/۴۲) بالاتر از افراد با تحصیلات دانشگاهی (۱۳/۶۸) است که می‌تواند به تفاوت در سطح آگاهی حقوقی یا اعتماد به سیستم عدالت کیفری مرتبط باشد (هندرسون و همکاران، ۱۹۹۷: ۴۴۷). این یافته با پژوهش هندرسون و همکاران (۱۹۹۷) همسو است که نشان دادند ادراک بی‌عدالتی در سیستم عدالت کیفری با سطح تحصیلات و زمینه اجتماعی افراد ارتباط دارد. با این حال، برخلاف مطالعه مذکور که بر تبعیض نژادی تمرکز داشت، پژوهش حاضر ادراک بی‌عدالتی را در یک بافت کلی‌تر و بدون تأکید بر نژاد بررسی کرد. این تفاوت ممکن است به نبود تنوع نژادی قابل توجه در نمونه پژوهش (شهر اردکان) یا تأثیر عوامل فرهنگی خاص ایران، مانند ارزش‌های دینی، بازگردد (نوغانی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۴: ۸۵). همبستگی قوی این زیرمقیاس با تفکر جنایی کنشی ($r=0/914$)

نشان‌دهنده ارتباط نزدیک بین ادراک بی‌عدالتی و گرایش به رفتارهای مجرمانه است که با یافته‌های والترز (۱۹۹۵) نیز سازگار است.

مقایسه نتایج پژوهش حاضر با مطالعات پیشین نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی است. ساختار دوعاملی پرسش‌نامه با یافته‌های بروگ و هرمن (۲۰۲۳) که نگرش به جرم را تحت تأثیر ویژگی‌های فردی مانند جنسیت و سن بررسی کردند، هم‌راستا است. با این حال، در حالی که استیلیانو (۲۰۰۳) بر ادراک شدت جرم تأکید داشت، پژوهش حاضر ابعاد متفاوتی را شناسایی کرد که ممکن است به تفاوت‌های فرهنگی بین جمعیت‌های مورد مطالعه مربوط باشد. همچنین، پایایی بالای پرسش‌نامه ($\alpha=0.922$) با ابزارهای مشابه مانند مقیاس نگرش پاسخ‌دهندگان نسبت به بزهکاری و اعمال مجرمانه (فرود و همکاران، ۱۹۹۴) و مقیاس نگرش پاسخ‌دهندگان نسبت به بزهکاری و اعمال مجرمانه چینی اعتباریابی شده توسط چویی و همکاران (۲۰۱۷) قابل مقایسه است. تفاوت کلیدی پژوهش حاضر با این مطالعات در تمرکز بر جمعیت عمومی به جای گروه‌های خاص (مانند بزهکاران یا زندانیان) است که شکاف پژوهشی موجود را پر می‌کند (شرفی‌زادگان و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۹). علاوه بر این، نتایج نشان داد که افراد با تحصیلات پایین‌تر نگرش مثبت‌تری به جرم دارند که با یافته‌های دی‌مارکو و همکاران (۲۰۲۵) درباره تأثیر تحصیلات بر نگرش به جرم همخوانی دارد؛ اگرچه در این مطالعه، افراد با سطح تحصیلات متوسط (دبیرستان و دیپلم) نگرش مثبت‌تری در مقایسه با افراد با سطح تحصیلات پائین (راهنمایی و سیکل) به جرم داشتند.

در مجموع، پژوهش حاضر موفق به ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه نگرش به جرم در جمعیت عمومی ایران شد. این ابزار با شناسایی دو عامل اصلی، یعنی عقلانی‌سازی جرم و ادراک بی‌عدالتی قانون، از پایایی و روایی مناسبی برخوردار است و می‌تواند به عنوان یک معیار معتبر برای سنجش نگرش به جرم در ایران به کار رود. نتایج نشان داد که مردان نسبت به زنان و افراد با تحصیلات پایین‌تر نسبت به افراد با تحصیلات بالاتر، نگرش مثبت‌تری به جرم دارند. همچنین، همبستگی مثبت با تفکر جنایی و منفی با خودکنترلی، توانایی پرسش‌نامه در تمایزگذاری بین سازه‌های مرتبط را تأیید می‌کند. بنابراین، این ابزار می‌تواند به درک بهتر عوامل روان‌شناختی و اجتماعی مؤثر بر جرم در ایران کمک کند و مبنایی برای مداخلات پیشگیرانه فراهم آورد. نتایج این پژوهش چشم‌انداز جدیدی را در زمینه جرم‌شناسی روان‌شناختی در ایران باز می‌کند. شناسایی عقلانی‌سازی جرم و ادراک بی‌عدالتی قانون به عنوان ابعاد کلیدی نگرش به جرم، نشان‌دهنده ضرورت توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی در

طراحی برنامه‌های پیشگیری از جرم است. این ابزار می‌تواند در مطالعات طولی برای بررسی تغییرات نگرش به جرم در طول زمان یا در ارزیابی تأثیر مداخلات آموزشی و رسانه‌ای به کار رود. علاوه بر این، مقایسه‌های بین‌فرهنگی با استفاده از این پرسش‌نامه می‌تواند به غنی‌سازی دانش جهانی درباره نگرش به جرم کمک کند. در همین راستا، طراحی برنامه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی عمومی درباره عواقب رفتارهای مجرمانه و کاهش تمایل به عقلانی‌سازی جرم، به‌ویژه در میان مردان و افراد با تحصیلات پایین‌تر، اجرای سیاست‌هایی برای افزایش شفافیت و عدالت در قوانین و مجازات‌ها، به‌منظور کاهش ادراک بی‌عدالتی قانون در جمعیت عمومی و گسترش مداخلاتی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی ایران، مانند تأکید بر ارزش‌های دینی و خانوادگی، برای تقویت نگرش منفی به جرم، پیشنهاد می‌شود. علاوه بر این، بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که محققان برنامه‌های آموزشی برای افزایش آگاهی عمومی درباره عواقب رفتارهای مجرمانه و کاهش تمایل به عقلانی‌سازی جرم طراحی کنند؛ به‌ویژه برای مردان و افراد با تحصیلات پایین‌تر که نگرش مثبت‌تری به جرم نشان داده‌اند. همچنین، متولیان کاهش جرم می‌توانند با افزایش شفافیت و عدالت در قوانین و مجازات‌ها، ادراک بی‌عدالتی قانون را در جمعیت عمومی کاهش دهند. اجرای مداخلات پیشگیرانه متناسب با ویژگی‌های فرهنگی ایران، مانند تأکید بر ارزش‌های دینی و خانوادگی، نیز می‌تواند به تقویت نگرش منفی به جرم کمک کند. این راهکارها می‌توانند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر شواهد و تحقیقات آینده در زمینه پیشگیری از جرم فراهم آورند.

محدودیت‌های پژوهش حاضر شامل محدودیت جغرافیایی (انجام این پژوهش در شهر اردکان)، محدودیت روش جمع‌آوری داده‌ها (استفاده از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی، غیرداوطلبانه، پرسش‌نامه و روش آنلاین برای جمع‌آوری داده‌ها)، عدم استفاده از ابزارهای مکمل (روش‌های تکمیلی مانند مصاحبه‌های عمیق) و عدم امکان کنترل متغیرهای مداخله‌گر است که لزوم احتیاط در تعمیم نتایج را نشان می‌دهد. از این رو، انجام پژوهش‌های مشابه در مناطق مختلف ایران با نمونه‌های متنوع‌تر برای بررسی تعمیم‌پذیری نتایج و استفاده از روش‌های کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق در کنار پرسش‌نامه برای درک بهتر نگرش‌های پیچیده به جرم، پیشنهاد می‌شود.

منابع

- رضوی فرد، بهزاد. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی جرایم و جنایات بین‌المللی؛ چالش‌های مطالعه جنایات بین‌المللی. *دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۱(۲)، ۲۳-۳۹.
https://jclc.illrc.ac.ir/article_720362.html
- شرفی زادگان، میلاد؛ فتاحی، عاطفه؛ سرافراز، مهدی رضا و فیروزی، منیژه. (۱۴۰۲). بررسی ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسش‌نامه روانشناختی سبک‌های تفکر جنایی. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۱۰(۵)، ۲۹-۴۳.
<https://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1876-fa.html>
- شمالی احمدآبادی، مهدی و برخوردار احمدآبادی، عاطفه. (۱۴۰۳). ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌شناختی سبک‌های تفکر جنایی. *نوآوری‌های اخیر در روان‌شناسی*، ۲(۳)، ۱۲-۲۵.
https://www.recentpsy.com/article_210952.html
- صادقی، سالار؛ بدلی ملکی، محمد و اسلامی، طاهار. (۱۴۰۳). نقش نهاد آموزش و پرورش در پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرایم سایبری دانش‌آموزان. *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ۲(۴)، ۴۳-۶۴.
https://www.qacr.ir/article_720846.html
- فتحی، محمدجواد و کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۳). تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی عذرخواهی در قبال زیان معنوی ناشی از جرم. *پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی*، ۲(۵)، ۱-۲۴.
https://www.qacr.ir/article_722265.html?lang=fa
- قادری، داوود؛ فخاری، علی؛ فرورشی، محمود. (۱۴۰۱). رابطه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و نوع جرم با اختلال شخصیتی سایکوپاتی در زندانیان مرد شهر مهاباد. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۵(۳)، ۱۲۲۲-۱۲۳۲.
- کرمی نقیبی، حمزه؛ رضوی فرد، بهزاد و موذن زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در افزایش نرخ جرائم در جامعه با تأکید بر رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی. *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۴(۳)، ۲۷-۳۶.
https://journals.mums.ac.ir/article_20968.html
- موسوی مقدم، سیدرحمت اله؛ هوری، سهیلا؛ امیدی، عباس و ظهیری خواه، ندا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش معنوی با خودکنترلی و مکانیسم‌های دفاعی در دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه. *فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران*، ۲۵(۱)، ۶۴-۵۹.
https://lps.journals.umz.ac.ir/article_3804.html
- نوغانی دخت بهمنی، محسن و میرمحمدتبار، سیداحمد. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام‌شده در ایران). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۴(۳)، ۸۵-۱۰۲.
https://ssoss.ui.ac.ir/article_17138.html

- Allerbeck, K. R., Mayer, K. U., & Müller, W. (1990). Allgemeine Bevölkerungsumfrage der Sozialwissenschaften ALLBUS 1990. *GESIS Datenarchiv, Köln, Germany. ZA1800 Data file Version, 1(0)*.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2666518223000165>
- Bandura, A., & Walters, R. H. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice hall, 1, 141-154.
https://www.ascib.ase.ro/mps/Bandura_SocialLearningTheory.pdf
- Borg, I., & Hermann, D. (2020). Personal values of lawbreakers. *Personality and Individual Differences, 164*, 104-110.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0191886920302932>
- Borg, I., & Hermann, D. (2023). Attitudes toward crime (s) and their relations to gender, age, and personal values. *Current Research in Behavioral Sciences, 4*, 100-111.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2666518223000165>
- Chui, W. H., Wu, J., Kwok, Y. Y., & Liu, L. (2017). Validation of the Offending-Related Attitudes Questionnaire of CRIME-PICS II Scale (Chinese). *Research on Social Work Practice, 27(1)*, 80-90.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1049731516647485>
- Clinard, M. and Meier, R. (1963). *Sociology of Deviant Behavior*, New York: Thomson Wadsworth Publications.
<https://www.shortcutstv.com/wp-content/uploads/2020/02/sociology-of-deviant-behavior.pdf>
- Di Marco, M. H., Sandberg, S., & Fondevila, G. (2025). Parenthood, gender, and turning points to crime for young people in Latin America. *Advances in Life Course Research, 63*, 100657.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1569490925000012>
- Evans, T. D., Cullen, F. T., Burton Jr, V. S., Dunaway, R. G., & Benson, M. L. (1997). The social consequences of self-control: Testing the general theory of crime. *Criminology, 35(3)*, 475-504.
<https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/j.1745-9125.1997.tb01226.x>
- Fasanu, O. O., & Osinowo, H. O. (2023). Development and Validation of the Criminal Thinking Scale (CTS). *East African Scholars Journal of Psychology and Behavioural Sciences, 5(4)*, 100-104.
https://www.easpublisher.com/media/features_articles/EASJPBS_54_100-104.pdf
- Feasey, S., & Williams, P. (2009). An evaluation of the Sycamore Tree Programme-Based on an Analysis of Crime Pics II Data, 1-20.
<https://shura.shu.ac.uk/7063/>
- Frude, N., Honess, T., & Maguire, M. (1994). *Crime-Pics II: Manual*.
- Henderson, M. L., Cullen, F. T., Cao, L., Browning, S. L., & Kopache, R. (1997). The impact of race on perceptions of criminal injustice. *Journal of criminal justice, 25(6)*, 447-462.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0047235297000329>
- Hermann, D. (2013). *Werte und Kriminalität: Konzeption einer allgemeinen Kriminalitätstheorie*. Springer-Verlag.
[https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=K-EnBgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PA15&dq=Hermann,+D.+\(2013\).+Werte+und+Kriminalit%C3%A4t:+Konzeption+einer+allgemeinen+Kriminalit%C3%A4tstheorie.+SpringerVerlag.%25E2%2580%258F&ots=vFlizRODe3&sig=6u2RSDoR8xVsuOID4TnBWmHGLr0](https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=K-EnBgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PA15&dq=Hermann,+D.+(2013).+Werte+und+Kriminalit%C3%A4t:+Konzeption+einer+allgemeinen+Kriminalit%C3%A4tstheorie.+SpringerVerlag.%25E2%2580%258F&ots=vFlizRODe3&sig=6u2RSDoR8xVsuOID4TnBWmHGLr0)
- Kenney, J. S. (2002). Victims of crime and labeling theory: a parallel process?. *Deviant Behavior, 23(3)*, 235-265.
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/016396202753561239>



- Knight, K., Garner, B. R., Simpson, D. D., Morey, J. T., & Flynn, P. M. (2006). An assessment for criminal thinking. *Crime & Delinquency*, 52(1), 159-177.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0011128705281749>
- Knoblauch, S., Muthusamy, R. K., Moritz, M., Kang, Y., Li, H., Lautenbach, S., & Zipf, A. (2025). Crime-associated inequality in geographical access to education: Insights from the municipality of Rio de Janeiro. *Cities*, 160, 105818.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0264275125001180>
- Leeper Piquero, N., & Sealock, M. D. (2010). Race, crime, and general strain theory. *Youth Violence and Juvenile Justice*, 8(3), 170-186.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1541204009361174>
- Mitchell, S. M., Bartholomew, N. R., Morgan, R. D., & Cukrowicz, K. C. (2017). A preliminary investigation of the psychological inventory of criminal thinking styles—layperson edition—short form. *Criminal Justice and Behavior*, 44(5), 756-769.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0093854816685591>
- Neubacher, F., Kissoly, L. D., Faße, A., & Grote, U. (2024). “You sleep with your eyes open”: Understanding rural crime and its implications for community well-being. *Journal of Rural Studies*, 106, 103213.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0743016724000172>
- Ortet-Fabregat, G., & Pérez, J. (1992). An assessment of the attitudes towards crime among professionals in the criminal justice system. *The British Journal of Criminology*, 32(2), 193-207.
<https://academic.oup.com/bjc/article-abstract/32/2/193/499421>
- Rader, N. E., & Haynes, S. H. (2011). Gendered fear of crime socialization: An extension of Akers’s social learning theory. *Feminist Criminology*, 6(4), 291-307.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1557085111408278>
- Shomali Ahmadabadi, M., Rezapour Mirsaleh, Y., & Yousefi, Z. (2024). Effectiveness of Rational Emotive Behavior Therapy (REBT) on Self-Control and Impulsivity in Male Prisoners. *Iranian Journal of Psychiatry*, 19(2), 185.
<https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC11055976/>
- Shomali Ahmadabadi, M., Rezapour-Mirsaleh, Y., & Yousefi, Z. (2024). Effectiveness of Ellis’s Rational-Emotional Approach on Criminal Thinking and Law-Evasion in Male Prisoners. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 0306624X241282280.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0306624X241282280>
- Stylianou, S. (2003). Measuring crime seriousness perceptions: What have we learned and what else do we want to know. *Journal of criminal justice*, 31(1), 37-56.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0047235202001988>
- Tangney, J. P., Boone, A. L., & Baumeister, R. F. (2018). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. In *Self-regulation and self-control* (pp. 173-212). Routledge.
<https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315175775-5/high-self-control-predicts-good-adjustment-less-pathology-better-grades-interpersonal-success-june-tangney-angie-luzio-boone-roy-baumeister>
- Walters, G. D. (1995). The psychological inventory of criminal thinking styles: Part I: Reliability and preliminary validity. *Criminal Justice and Behavior*, 22(3), 307-325.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0093854895022003008>
- Walters, G. D. (2002). The psychological inventory of criminal thinking styles (PICTS) A review and meta-analysis. *Assessment*, 9(3), 278-291.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1073191102009003007>

- Walters, G. D. (2006). The psychological inventory of criminal thinking styles (PICTS) professional manual. *Allentown, PA: Center for Lifestyle Studies.*
- Walters, G. D. (2007). Measuring proactive and reactive criminal thinking with the PICTS: Correlations with outcome expectancies and hostile attribution biases. *Journal of Interpersonal Violence, 22(4), 371-385.*
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0886260506296988>
- Walters, G. D. (2011). Criminal thinking as a mediator of the mental illness–prison violence relationship: A path analytic study and causal mediation analysis. *Psychological Services, 8(3), 189.*
<https://psycnet.apa.org/record/2011-14567-001>
- Yang, Y. (2025). The development of digital finance and the crime rate of theft. *Finance Research Letters, 71, 106422.*
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S154461232401451X>